

## بررسی پیامدهای فقر در سلامت روح و روان افراد از دیدگاه امام علی (ع)

زهره کدخدایی الیادرائی \* تقی اجیه \*\* مسعوده فاضل یگانه \*\*\*

### چکیده

پدیده شوم فقر از ناهنجارترین دردها است که تبعات ویرانگر آن در همهٔ وجوه فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جلوه می‌نماید. فقر از دوران گذشته تاریخ تاکنون، در اجتماعات بشری وجود داشته و روح و روان انسانها را دستخوش تباهی قرار داده‌است. در این پژوهش پیامدهای فقر در سلامت روح و روان افراد از دیدگاه امام علی (ع) بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد فقر و پیامدهای ناشی از آن مانند ازدست دادن عزت نفس، پرخاشگری، ناامیدی، سستی اراده، افسردگی و اضطراب از موارد تهدیدکننده سلامت روان است. رفتارهای نامناسب اقتصادی مانند حب دنیا، بخل، حرص و سستی در عمل از عوامل فقر محسوب میشوند که برای برطرف کردن آن و کاهش فشار روانی راهکارهایی مانند زهد، قناعت، برقراری عدالت، انفاق، پرداخت زکات، اقتصاد و میانه روی، پرهیز از اسراف و تبذیر، مدیریت اقتصادی در زندگی، اصلاح نظام بازار، دفاع از حقوق قشرهای آسیب پذیر ارائه شد.

### واژه‌های کلیدی

اقتصاد، فقر، نهج البلاغه، اجتماع، سلامت روان.

\* پژوهشگر فعال معارف نهج البلاغه دانشگاه معارف قران و عترت (ع) [zkadkhodai@yahoo.com](mailto:zkadkhodai@yahoo.com)

\*\* استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

\*\*\* دکترای فلسفه دانشگاه معارف قران و عترت (ع)

## مقدمه

نهج البلاغه همچون یافته های وسیع علمی جدید که اقتصاد را علت بسیاری از اختلال های روانی و آسیب های اجتماعی می داند، فقر را به عنوان عاملی در نظر گرفته که سلامت روان را به مخاطره می اندازد. در کتب لغت فقر، عبارت از بی چیزی و نداشتن مایحتاج است و در اصطلاح به فرد یا جامعه ای که دچار کمبود وسایل لازم زندگی است، فقیر می گویند. فقر اقتصادی که معمولاً در جوامع به معنی مطلق فقر به کار می رود، عبارت است از نیازمندی و ناتوانی فرد به گونه ای که در امرار معاش و رفع نیازهای روزمره خود ناتوان باشد.

علل فقر را می توان بی عدالتی، انحصار سرمایه در دست قشری خاص از جامعه، اسراف و تبذیر، توزیع ناعادلانه سرمایه، عدم پرداخت حقوق فقیران توسط ثروتمندان، عدم نظارت دولت بر فعالیت های جامعه دانست.

دین مقدس اسلام بهره برداری مشروع از نعمتهای الهی و زیباییهای زندگی را مباح و اسراف و زیاده روی را حرام می داند و این بدان جهت است که مسلمانان به تناسب امکانات و توانایی و کارایی خود، در برابر جامعه مسؤولیت دارند. قرآن مجید این حقیقت را در ضمن مباحث اجتماعی در قالب هایی زیبا بیان می کند و با هشدار به پیروان خود می فرماید که اگر مال در راه خدا و به سود جامعه و رفع نیازمندیهای مردم مصرف نشود، سرنوشت آن جامعه و ملت به هلاکت و سقوط می انجامد. امام علی (ع) فقر را مرگ بزرگ می داند و از آن به خدا پناه می برد. (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۷۴)

رفتارهای نامناسب اقتصادی مانند علاقه بیش از حد به دنیا، بخیل بودن، حرص و فزون طلبی و مال پرستی و سستی در عمل می تواند زمینه بروز بیماری های

روانی در افراد گردد و سلامت روانی آنان را تهدید کند. ریشه اصلی این رذایل اخلاقی و رفتاری، ضعف مبانی ایمان و شناخت خداست؛ زیرا کسی که خداوند را بر همه چیز قادر می داند و معتقد است که ریشه تمام خیرات و برکات، ذات پاک حق تعالی است، باید به وعده های الهی اعتقاد داشته باشد. علاقه بیش از حد به دنیا نیز می تواند زمینه بروز فشار روانی در افراد گردد و سلامت روانی آنان را تهدید کند. سرشت انسان به گونه ای است که به دنبال کمال مطلق است. او به دنبال امری فناپذیر و همیشگی است و آن جز خداوند متعال موجودی نیست و آرامش و آسایش فرد در صورتی تامین می شود که به این خواسته و نیاز خود برسد.

در حوزه مطالعات قرآنی و روایات معصومین (ع) تحقیقات پراکنده و ناقصی درباره آثار فقر انجام شده است، اما تا کنون کتاب یا مقاله ای تحت این عنوان ارائه نشده است. تنها یک مقاله با عنوان فقر و بهداشت روانی از دیدگاه دین و روانشناسی از سید مهدی موسوی اصل در فصلنامه تخصصی دین و روانشناسی، شماره چهارم یافت شد که در آن آثار فقر را به جسمی، فرهنگی و روانی تقسیم کرده و بیشتر از دید روانشناسی به آن پرداخته شده بود. (موسوی، ۱۳۸۷: ۹۳) در این تحقیق تلاش بر آن است تا پیامدهای فقر بر سلامت روح و روان را با توجه به کلام شیوا و پر محتوای امام علی (ع) بررسی کنیم.

## تأثیر فقر بر سلامت روانی افراد

سلامت روان در لغت به معنای شادابی است؛ سلامت روانی، حالت سازگاری نسبتاً خوب، احساس به زیستی و شکوفایی توان و استعداد های شخص است. گلدشتاین

احساس نیازهایی کاذب، مانند حرص و فزون خواهی، حب دنیا و بخلدر انسان می گردد که خطر آن ها کمتر از برآورده نشدن نیازهای زیستی نیست؛ از این رو، شایسته است برای تامین سلامت روانی افراد، شناخت و دیدگاه انسان نسبت به دنیا و مسائل مادی اصلاح پیدا کند تا نیل به آرامش و سلامت برای آن ها آسان تر شود.

زندگی با فقر و نداری، پیامدهای گسترده ای بر سلامت روح و روان دارد. فقر و محرومیت سبب می شود تا فرد فقیر از زندگی خاصی به ناچار پیروی نماید که تأثیر آن در تمامی لایه ها و زوایای پنهان و آشکار زندگی اش نمودار است. این پیامدهای گسترده را می توان در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، بهداشت و روان مورد بررسی قرار داد که در این جا فقط اشارتی به آن می گردد.

افراد تهیدست معمولاً در عرصه اجتماعی، حضور چندانی ندارند و از مشارکت در فعالیت های عمومی مثل فعالیت در نهادها و سازمان های بزرگ پرهیز می کنند و در هیچ یک از انجمن های عام المنفعه و داوطلبانه عضو نمی شوند. این امر ناشی از فقدان منابع مالی یا تبعیض و امثال آن است و این انزوای باعث بروز بیماری های روانی و افسردگی می شود. در سطح خانواده شرایط بسیار دشواری وجود دارد که مسکن نامناسب و بالا بودن نرخ زاد و ولد از جمله آنها است. از جهت مراقبت های بهداشتی و دسترسی داشتن به خدمات بهداشتی، وضعیت نامساعدی وجود دارد. خدمات درمان و بهداشت بسیار پایین و بی کیفیت است. گروه های نیازمند به این خدمات که بیشتر شامل کودکان، شیر خوارگان، زنان باردار و سال خوردگان هستند، به سبب پایین بودن کیفیت خدمات بهداشتی، دچار مصائب و مشکلات فراوانی می شوند. همچنین سوء تغذیه، کمبود کالری و ویتامین ها به ویژه در دوره

سلامت روانی را تعادل بین اعضاء و محیط برای رسیدن به خودشکوفایی می داند. (جورارد، ۱۳۸۷: ۲)

تأثیر فقر بر سلامت انسان، از دو جنبه قابل بررسی است: اول آن که یکی از ضروری ترین و اساسی ترین نیازهای انسان تأمین معاش و برآورده شدن نیازهای زیستی انسان است و دیگر آن که در صورت برآورده نشدن این نیاز، مشکلات روانی برای انسان ها به وجود می آید. اجتماعی که با فقر اقتصادی دست به گریبان است، توانایی فعالیت را از دست می دهد و گرفتار نارسایی های مرگ باری در زمینه های گوناگون می شود، حتی مسایل اخلاقی نیز به مقدار قابل ملاحظه ای تحت تأثیر عوامل اقتصادی قرار دارند. نگهداری مبانی اخلاقی همچون شهامت، صراحت، مناعت طبع، راست گویی، امانت و استقلال شخصیت برای یک انسان گرسنه کار بسیار دشواری است. همچنین بی تردید نیازهای مادی و فقر اقتصادی، انسان را به رفتارهای نامناسبی همچون چاپلوسی افرادی که شایسته سرزنش اند و عیب جوئی از آن ها که قابل ستایش اند، وامی دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۹: ۲۶-۲۷)

اصولاً دغدغه معاش، آزادی لازم برای رشد و تعالی را سلب می کند. ناداری انسان را در اسارت خود می گیرد و به صورت مانعی جدی در تربیت حقیقی ظاهر می شود. از منظر امیرالمومنین (ع) ناداری مرگی سخت تر از مرگ طبیعی است؛ زیرا انسان گرفتار فقر در بهره مندی از تربیت فطری و نیل به کمال حقیقی پیوسته با دشواری روبه رو می گردد و شکوفایی استعدادهايش سرکوب می شود و از زندگی معقول و معتدل و بستر مناسب برای نیل به کمال حقیقی محروم می ماند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۸۷)

همچنان که گذشت، عدم شناخت صحیح انسان از موقعیت و جایگاه خود در نظام عالم، غرایز، هواها و عدم تربیت صحیح در پرتو معارف الهی، باعث

بارداری منجر به بروز معلولیت‌ها و مشکلات جسمی و روانی فراوانی می‌گردد که به طور قطع در آینده شغلی و کسب مهارت آنان تأثیرگذار است. در بعد فرهنگی می‌توان از افت تحصیل، ترک تحصیل و نداشتن امکانات لازم برای طی مدارج عالی تحصیلی نام برد با توجه به رابطه مثبت بین وضعیت تحصیلی، درآمد و موقعیت شغلی، اصولاً طبقه پایین به علت برخورداری از الگوی رفتار خاص، چندان میل و رغبتی به تحصیل از خود نشان نمی‌دهد. در بعد فردی و روانی، احساس محرومیت، ناکامی، سرخوردگی و امثال آن را می‌توان از پیامدهای فقر دانست و در عرصه اقتصادی، کم‌درآمدی، اشتغال ناقص و پایین بودن دستمزدها به دلیل فقدان مهارت و تجربه کاری از دیگر پیامدهای فقر می‌باشد.

#### آثار فقر و تنگدستی از دیدگاه امام علی (ع)

تبعات ویرانگر تنگدستی در همه‌وجه فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جلوه می‌یابد. روایت شده است که امیرمومنان علی (ع) به فرزند گرامی اش امام حسن (ع) درباره پیامدهای ویرانگر فقر چنین فرمود: «فرزندم، هر کس دچار فقر شود، به چهار خصلت گرفتار می‌شود: ضعف در یقین، نقصان در عقل، سستی در دین و کم‌حیایی در چهره، پس به خدا پناه می‌برم از فقر.» (شعیری، ۱۳۸۲: ۱۲۹-۱۲۸) امام علی (ع) فقر را چنین سدی در برابر تربیت آدمی می‌دید و آن را می‌نکوهید و می‌فرمود: بدرستی که تنگدستی سبب خواری نفس و باعث حیرانی عقل و موجب پیدایش اندوههاست. (رسولی، ۱۳۸۱: ۲/ ۴۹۸)

۱- از دست دادن عزت نفس: فقر پیامدهای نامناسبی بر سلامت روانی افراد دارد. یکی از آثار آن احساس ذلت و خواری در فرد است. امام علی (ع) خطاب به

امام حسن (ع) فرمود: «ای فرزندم کسی که فقیر و تنگدست است، خوار و کوچک است.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۴۷/۶۹) و همچنین فرمود: «به درستی که فقر، ابزار خواری نفس است.» (رسولی، ۱۳۸۱: ۲/ ۴۹۸) امام صادق (ع) درخواست حاجت از مردم را موجب سلب عزت و رفتن حیا می‌دانند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/ ۱۴۸)

فقر و رنج‌های ناشی از آن دو احساس متضاد را می‌تواند به همراه داشته باشد از سویی احساس شرم و حقارت و ناتوانی و از سوی دیگر، همچنان که در بند بعد خواهیم گفت، احساس پرخاشگری و طغیان. انسان فقیر احساس می‌کند که «بینوا»، «فقیر» «بی دست و پا»، «بی لیاقت» و «کمتر از همه» است. او باور می‌کند که چنین هویتی دارد. قبول تحقیر دیگران به تدریج درونی می‌شود و فرد را به این نتیجه می‌رساند که خود را تحقیر کند، عزت نفس و اعتماد به نفس را از دست بدهد. فرد از خود، خانواده و اطرافیانش شرم‌منده می‌شود. شرم و گنجهکاری معمولاً به دنبال هم می‌آیند؛ بدین صورت که انسان شرم‌منده خود را ملامت می‌کند و تمام گناهان را به گردن می‌گیرد و خود را مسبب اصلی فقر می‌داند و در نتیجه به بیماری روانی مبتلا خواهد شد و سلامت روحی و روانی خود را از دست خواهد داد.

۲- پرخاشگری: انسان تنگدست از خواست‌ها و مطلوب‌های خویش که سرمایه زندگی مادی است، محروم می‌شود و از مقاصد خویش باز می‌ماند و محرومیت همچنان که گذشت، گاه به پرخاشگری می‌انجامد. امیرالمومنین علی (ع) فرمود: «همانا فقر باعث و انگیزه خشم است.» (دشتی، ۱۳۸۶: ۵۰۴) چون فردی که به علت فقر تحقیر می‌شود، با کسانی که او را تحقیر می‌کنند و اجتماعی که این تحقیر را برای او

۵- **اضطراب**: فقر یکی از عوامل فشار روانی است. از آثار فشار روانی اضطراب و تحیر و پریشانی فکر است. امام علی (ع) فرمود: «همانا فقر و تهیدستی باعث تحیر و پریشانی عقل و فکر می شود» (دستی، ۱۳۸۶: ۵۰۴). همچنین فرمودند: «فقر فراموشی می آورد.» (آمدی، ۱۳۸۰: ۳۶۵). افراد فقیر بیشتر مضطرب هستند که بخشی از آن، مالی است و بخشی از فقر، بی کاری و وضعیت بد سلامتی ناشی می شود. آن ها همچنین کمتر قادرند با اضطراب مقابله کنند. (همان، ۲۲۸)

۶- **ناامیدی و سستی اراده**: ناامیدی از پیامدهای نامطلوب دیگر فقر است. امام علی (ع) فرمود: «هر کس فقیر شود، نومید و سست می گردد.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۶۹ / ۱۹۹) در همه کشورهای صنعتی، امید به زندگی در منطقه ثروتمند نشین شهرها بیشتر از منطقه فقرنشین است. انسان هایی که به طبقات مختلف اجتماعی تعلق دارند، به شیوه های مختلف می توانند سرنوشت خود را تا اندازه ای به دست بگیرند. در این میان، بازنده ها باز هم فقرا هستند.

۷- **زیاد شدن دشمنان**: شخص فقیر در روابط اجتماعی مشکلات زیادی دارد. امام علی (ع) خطاب به امام حسن (ع) فرمود: «فرزندم، فرد تهیدست و فقیر جایگاه و موقعیتش [در جامعه] شناخته شده نیست.» و همچنین فرمودند: «کسی که مال کمی دارد، در شهر خودش نیز غریب است.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۷۲ / ۴۶) امام علی (ع) درباره مشکلات خانوادگی فرمودند: «هنگامی که پول داشتی همه مردم در خدمت تو هستند و هنگامی که فقیر شدی حتی خانواده ات تو را نمی شناسند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۰: ۹۱)

۸- **سرکوب شدن استعدادها**: فقر انسان را در اسارت خود می گیرد و به صورت مانعی جدی در تربیت حقیقی عمل می نماید. در منظر امیرمومنان

فراهم آورده، به مقابله برمی خیزد و این تحقیرها و خشونت ها، سلامت روحی و روانی فرد را به مخاطره می اندازد.

۳- **روی آوردن به کارهای خلاف**: همیشه این احتمال وجود دارد که انسان فقیر، حداقل برای رفع فقر و تنگدستی خود، به کارهای خلاف از قبیل دزدی، اختلاس و غیر این ها دست بزند؛ همچنین ممکن است کسی او را به مبلغ اندکی بخرد و به کارهای ناشایست وادارد؛ چنان که آمار جرایم در همه جای دنیا نیز نشان داده که منشأ بسیاری از جرایم و گناهان، فقر و تنگدستی است. (شاکر، ۱۳۷۸: ۱۷۰) حضرت علی (ع) نیز به صورت مکرر فرموده است فقر باعث کارهای زشت و خلاف می شود: «تنگدستی اخلاق را زشت می کند.» (آمدی، ۱۳۸۰: ۴۲۵) امام علی (ع) همچنین در توصیه ای به امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: انسانی را که طلب روزی خود می کند ملامت مکن؛ چه هر کس روزی خود و خانواده خود را نداشته باشد، خطاهایش فزون می گردد به هر حال، روایات مزبور با لحن قاطع این حقیقت را اعلام می کنند که فقر بر رفتار و خصوصیات اخلاقی فرد تاثیر بسیار منفی دارد. (دستی، ۱۳۸۶: ۳۸۰)

۴- **افسردگی**: احساس اندوه از پیامدهای نامطلوب دیگر فقر است. شخص فقیر از آن جا که نمی تواند به مقاصد خود برسد و نیازهای اولیه خود را تأمین کند، دچار احساس ناراحتی و اندوه می شود. امام علی (ع) فرمود: «فقر با اندوه همراه است.» (رسولی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۹۸) و «فقر و ناداری اندوه ها را بر می انگیزد.» (همان، ج ۲: ۴۹۸) روانشناسان افسردگی بیشتر، همچنین وضعیت سلامتی بدتر و رضایت مندی کمتر از زندگی را از پیامدهای فقر گزارش کرده اند. (آرگیل، ۱۳۸۲: ۲۱۵)

افول در دینداری می گردد، زیرا اندیشه شخص مشغول تنگدستی می شود و انسان نیرو و توان لازم برای عبودیت درست و عبادت با نشاط را از دست می دهد، همچنین مهمترین شان آدمی که خردمندی اوست، دچار سردرگمی و آشفتگی می گردد و در مرتبه ای نازل گرفتار می شود و نیز انسان در مناسبات و روابط اجتماعی خود آسیب می بیند و به کینه و دشمنی کشیده می شود و همه این موارد باعث نابودی دین می شود.

۱۰- مانع رشد فرد و جامعه: بنا بر آنچه گذشت، فقر با توجه به پیامدهایش مانعی سخت در برابر رشد و کمال آدمیان است و اعتدال فرد و جامعه را که لازمه تربیت فطری است مختل می سازد، چنانکه امام علی (ع) فرموده است: «و ان عضته الفاقه شغله البلاء» اگر آدمی به تنگدستی گرفتار شود، به بلا دچار شود. (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۶۲) با چنین دیدگاهی به فقر و ناداری، امام علی (ع) در رفع آن برای ایجاد زمینه مناسب تربیت می کوشید و از آن به خدا پناه می برد و می فرمود: «اللهم انی اعوذ بک ان افتقر فی غناک.» خدایا به تو پناه می برم از آن که در سایه بی نیازی ات نادار مانم. (دشتی، ۱۳۸۶: ۳۱۲)

بنابراین می توان گفت بیشتر آثار روانی فقر از نگرش منفی مردم نسبت به آن نشأت می گیرد؛ بدین صورت که مردم با فقرا به شیوه ای کاملاً متفاوت از ثروتمندان رفتار می کنند. در روابط خانوادگی، دوستی ها، رفت و آمدها، و به طور کلی در اجتماع، افراد بی بضاعت با بی تفاوتی یا تحقیر پذیرفته می شوند. نگرش منفی و تحقیر آمیز در مورد فقرا را می توان در مدرسه، فروشگاه، مطب پزشک، بیمارستان ها و مراکز اجتماعی دیگر مشاهده کرد. امروزه تأیید شده است که بین موقعیت اجتماعی فرد و روابط او با اعضای اجتماع

علی (ع) فقر، مرگی سخت تر از مرگ طبیعی است، زیرا انسان گرفتار فقر و مسکنت در بهره مندی از تربیت فطری و سیر به سوی کمال حقیقی پیوسته با دشواری رو به رو می گردد و شکوفایی استعدادهايش آسیب می بیند و هیچ ستمی به انسان بالاتر از این نیست که استعدادهايش سرکوب شود و از زندگی معقول و معتدل و بستر مناسب برای سیر به سوی کمال حقیقی خود محروم بماند. امام علی (ع) فرموده است: تنگدستی بزرگتر مرگ است. (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۷۴) امام (ع) با بیانی استعاری بدین حقیقت اشاره کرده است که انسان تنگدست از خواست ها و مطلوبهای خویش که سرمایه زندگی مادی است محروم می شود و از این رو دچار تألم و تأثر می گردد و بالطبع از مقاصد خویش باز می ماند و این مرگی بزرگتر از مرگ طبیعی است، زیرا اندوه ها و سختی ها، پیایی انسان تنگدست را در طول زندگی اش در بر می گیرد و متأثر می سازد، اما مردن یک بار است و مصیبت آن نیز یک مرتبه (بحرانی، ۱۳۷۵: ۵/ ۳۳۵). حقیقت آن است که فقر انسان را در تنگناهای گوناگون قرار می دهد و وجوه مختلف حیات معقول و انسانی او را تهدید می کند.

۹- از دست دادن دین: امیرمومنان علی (ع) گرفتار شدن در اسارت فقر را بستر بسیاری از آسیب های فردی و اجتماعی دانسته و آن را نکوهیده ترین عوارض جامعه معرفی کرده و درباره آن تعبیری این گونه کرده است: فقر نیمی از کفر است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۸/ ۱۲) پیشوای عدالت خواهان، علی (ع) در سخنی والا به فرزند خود محمد بن حنفیه درباره تنگدستی و پیامدهای مصیبت بار آن چنین فرموده است: پسر، همانا از تنگدستی بر تو بیمناکم، پس، از آن به خدا پناه ببر که تنگدستی دین را زیان دارد و خرد را سرگردان کند و دشمنی پدید آرد. (دشتی، ۱۳۸۶: ۵۰۴) فقر موجب

دنيا جستجو می کند و ندانسته امور مادی و ظاهری و جنبه جسمی دنیا را به جای خواسته حقیقی و گمشده واقعی اش جستجو می کند. از آن جا که این گونه امور خواسته واقعی اش نیست و نیاز اصلی اش را برآورده نمی سازد، او اقتناع نشده و از تشویش و ناراحتی درونی نجات نمی یابد. بسیاری از بیماری های روانی، ناشی از علاقه به دنیا است. محبت دنیا که تعالیم اسلام آن را نمی پذیرد، منافع و لذایذ دنیوی است، بدون آن که این منافع در مسیر کمال معنوی و پاداش اخروی قرار گیرد. دوستی دنیا بدین معناست که فرد همه فکر خویش را برای نیل به لذت های دنیوی صرف نماید و از هدف اصلی زندگی که بندگی خداست، باز ماند.

نراقی، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۰) نهج البلاغه فرد دنیاپرست را آسیب پذیر به افسردگی و غم و اندوه دانسته و دنیاپرستی را عامل زمینه ساز افسردگی می داند: " دنیا پرستی کلید دشواری و مرکب رنج و گرفتاری است" (دشتی، ۱۳۸۶: ۵۱۲) و " آن کس که به دنیا عشق ورزید، درونش پر از اندوه شد و غم و اندوه ها در خانه دلش رقصان گشت، که از سویی سرگرمش سازد و از سویی دیگر رهش کند، تا آن جا که گلویش گرفته در گوشه ای بمیرد." (همان)

۲- **بخل و امساک**: یکی دیگر از مسائلی که می تواند زمینه بروز فشار روانی در افراد گردد و سلامت روانی آنان را تهدید کند بخل و امساک است. خداوند نعمت ها و مواهبی را در اختیار انسان گذاشته که در موارد بسیاری، بیش از نیاز او است، به گونه ای که می تواند دیگران را نیز در آن سهم کند بدون این که زیانی به زندگی وی برسد، ولی بعضی افراد به دلیل داشتن صفت بخل از این کار امتناع می ورزند و هیچ کس را در این مواهب خدادادی شریک نمی کنند. ریشه اصلی این رذیله اخلاقی، ضعف مبانی ایمان و شناخت

رابطه نزدیکی وجود دارد. (گنجی، ۱۰۳: ۱۳۸۵). امام علی (ع) می فرماید: « تهیدست و فقیر اگر راست گو باشد، او را دروغگو می نامند و اگر زاهد باشد، او را جاهل می نامند.» (مجلسی، ۷۲: ۱۴۰۴ / ۴۷) و نیز فرمودند: « مردم گفتار فقیر را نمی پذیرند.» (همان) معمولاً کسانی که دارای امکانات مالی هستند یا مرتبه اجتماعی مناسبی دارند، راحت تر حرف خود را به گوش دیگران می رسانند. در مقابل فقرا، ممکن است در مقام بیان سخن خود با بی اعتنایی مخاطبان رو به رو شوند. از سخنان علی (ع) برداشت می شود که مردم اهمیت و اعتبار مناسبی برای فقرا در نظر نمی گیرند.

#### نقش رفتارهای نامناسب اقتصادی در سلامت روانی

رفتارهایی نامناسب اقتصادی مانند علاقه بیش از حد به دنیا، بخیل بودن، حرص و فزون طلبی و مال پرستی و سستی در عمل از عوامل فقر محسوب می شوند که می تواند زمینه بروز بیماری های روانی در افراد گردد و سلامت روانی آنان را تهدید کند. ریشه اصلی این رذایل اخلاقی و رفتاری، ضعف مبانی ایمان و شناخت خداست؛ زیرا کسی که خداوند را بر همه چیز قادر می داند و معتقد است که ریشه تمام خیرات و برکات، ذات پاک حق تعالی است، باید به وعده های الهی اعتقاد داشته باشد.

۱- **علاقه به دنیا**: یکی از مسائلی است که می تواند زمینه بروز فشار روانی در افراد گردد و سلامت روانی آنان را تهدید کند. سرشت انسان به گونه ای است که به دنبال کمال مطلق است. او به دنبال امری فناپذیر و همیشگی است و آن جز خداوند متعال موجودی نیست. آرامش و آسایش فرد در صورتی تامین می شود که به این خواسته و نیاز خود برسد. انسانی که در مکتب ادیان الهی تربیت نشده باشد، گمشده خود را در

بیماری استسقا مبتلا شده است، هر چه آب می آشامد، تشنگی او فرو نمی نشیند. حضرت امیر المومنین علی (ع) در بارهٔ اقسام روزی و پرهیز از حرص می فرمایند: ای فرزند آدم روزی دو گونه است، روزی که تو آن را جویی، و روزی که تو را می جوید، که اگر به سراغش نروی به سوی تو آید. پس اندوه سال خود را بر اندوه امروزت منه، که بر طرف کردن اندوه هر روز از عمر تو را کافی است. اگر سال آینده در شمار عمر تو باشد همانا خدای بزرگ در هر روز سهم تو را خواهد داد، و اگر از شمار عمرت نباشد تو را با اندوه آن، چه کار است که هرگز جوینده‌ای در گرفتن سهم روزی تو بر تو پیشی نگیرد، و چیره شونده‌ای بر تو چیره نگردد، و آنچه برای تو مقرر گشته بی کم و کاست به تو خواهد رسید. (دستی، ۱۳۸۶: ۵۱۶)

حرص در زندگی فردی و اجتماعی آثار نامطلوبی دارد که از آن جمله می توان به گرفتار شدن به رنج و زحمت ابدی دائمی اشاره کرد؛ زیرا افراد حریص به طور دائم غصه کمبودها و ناداری های خود را دارند و دائماً در فعالیت اند و به جمع آوری و زیاد کردن اموال مشغولند. (رسولی، ۱۳۸۱: ۲ / ۸۵) حرص باعث بی حیایی انسان می گردد؛ زیرا مقصود او کسب مال است و در این هدف از هیچ چیز پروا ندارد. حرص باعث شقاوت و سنگدلی انسان می گردد؛ زیرا حریص برای به دست آوردن آن چه در پی آن است، انصاف و عدل و رحم و مروت را کنار می گذارد و همواره زبون و خوار است. (دستی، ۱۳۸۶: ۴۸۲) از مهم ترین عوامل آن فقر است؛ زیرا حریص هرگز سیر نمی شود و به همین دلیل اگر مالک همه دنیا نیز گردد، باز فقیر است. بنابراین حرص و زیاده طلبی از عوامل فقر است و شخص حریص هیچ گاه از آرامش روحی و روانی برخوردار نخواهد بود؛ زیرا همیشه در حال جمع کردن مال است و آرامش و آسایش ندارد.

خداست. کسی که خداوند را بر همه چیز قادر می داند، باید به وعده های الهی در مورد آثار « انفاق» در راه خدا اعتقاد داشته باشد. با این اعتقاد افراد کمتر گرفتار بخل می شوند. امیرالمومنین (ع) دلیل بخل ورزیدن نسبت به آنچه مردم دارند را بدگمانی به خدای دانند. بخل آثار و پیامدهای نامطلوب زیادی بر سلامت روح و روان افراد دارد، مانند تضعیف روابط اجتماعی (زیرا بخیل یار و دوست ندارد)، عدم آسایش (زیرا بخیل دائماً در ترس و اضطراب از دست دادن ثروت خود به سر می برد و این امر باعث سلب آسایش و آرامش از او می گردد)، زمینه بدگویی مردم (به خاطر بخل، بدگویی و دشنام مردم زیاد می شود) و فقر. بخیل زندگی فقیرانه ای دارد؛ زیرا هنگامی که بخل انسان شدت می یابد، نسبت به خویشان هم بخیل می شود و آسایش زندگی اش از بین می رود؛ زیرا همیشه در فکر حفظ اموال خویش و افزودن به آن است. گاه نیز گرفتار حالات روانی نامناسب و سوء ظن های شدید نسبت به اطرافیان خود می شود؛ مثلاً می پندارد که مردم چشم طمع به اموال او دوخته اند و با حسادت و عداوت به او می نگرند. امیرمومنان (ع) می فرماید: « از بخیل بد سرانجام در شگفتم! به سرعت، به سوی فقری پیش می رود که از آن می گریزد و غنا و بی نیازی را که می طلبد، از دست می دهد؛ در دنیا فقیرانه زندگی می کند و در آخرت باید حساب اغنیا را پردازد.» (رسولی، ۱۳۸۱: ۴ / ۳۴۶) بخیل در مورد کمترین چیزی بخل می کند و فقیرانه زندگی می کند، ولی همه آن را به آسانی در اختیار وارثانش می گذارد.

۳- حرص: یکی از دلایل فقر، حرص و فزون طلبی و مال پرستی است. در مفردات راغب حرص به معنای شدت تمایل به چیزی آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۲) «حریص» مانند کسی است که به



بی رغبتی نشان دهد و زیبایی و ارزش های آن را ناچیز بشمارد. (مهدوی کنی، ۱۳۷۵: ۶۲۵) از دیدگاه امام علی (ع) زهد در یک جمله قرآن خلاصه شده است: «این که به آنچه از دست داده افسوس نخورد و به آنچه به دست آورده، بسیار شاد نشود.» (حدید، ۲۳) امام علی (ع) اساس و پایه زهد را یقین به خداوند می داند و می فرماید: اصل زهد یقین است و میوه آن نیک بختی است. (آمدی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۲۵) زهد نسبت به دنیا می تواند از مشکلات ناشی از دوستی دنیا و مال پرستی و حرص جلوگیری کند. امام علی (ع) در وصیتش به امام حسن (ع) فرمود: «در امر آخرت و نعمت های آن زیاد تفکر نما تا در دنیا زاهد باشی و آن را کوچک بشماری.» (دشتی، ۱۳۸۶: ۳۶۷) پس از آثار زهد آسایش و راحتی در دنیا است. امام علی (ع) فرمودند: «دل برکندن از دنیا و زاهد بودن بزرگ ترین آسایش است.» (آمدی، ۸۱: ۱۳۸۰) زیرا چنین فردی به چیزی وابستگی ندارد تا از فقدان آن بترسد یا برای به دست آوردنش خود را به زحمت و غصه وادارد. بنابراین فرد زاهد از سلامت روح و روان برخوردار است.

۲. قناعت: یکی از مهم ترین راهکارهای اقتصادی که در تأمین سلامت روانی افراد تأثیر زیادی دارد، قناعت است. قناعت مترادف با «اقتصاد» و «میانروی» است. یعنی انسان در مصرف کردن مال و خرج کردن آن برای خود و خانواده اش حالت اعتدال را مراعات نموده و به مقدار ناچیزی از وسایل زندگی که در حد ضرورت و نیاز او است، اکتفا نماید. قناعت دارای دو مرتبه عالی و اعلی است، مرتبه نخست، راضی بودن به حد ضرورت و کفاف و مرتبه دوم، رضایت به کمتر از آن است. قناعت وسیله ای است برای نیل به مقصد و حتی بزرگ ترین وسیله

۴- سستی در عمل: یکی دیگر از عواملی که می تواند زمینه بروز فقر برای افراد گردد و سلامت روانی آنان را تهدید کند، سستی در عمل است. حضرت علی (ع) فرمود: آن کس که در عمل کوتاهی کند، دچار فقر و اندوه گردد. (دشتی، ۴۶۶: ۱۳۸۶)

عدم شناخت صحیح انسان از موقعیت و جایگاه خود در نظام عالم، غرایز، هواها و عدم تربیت صحیح در پرتو معارف الهی، باعث احساس نیازهایی کاذب، مانند حرص و فزون خواهی، حب دنیا و بخل در انسان می گردد که خطر آن ها کم تر از برآورده نشدن نیازهای زیستی نیست؛ از این رو، شایسته است برای جلوگیری از فقر و تأمین سلامت روانی افراد، شناخت و دیدگاه انسان نسبت به دنیا و مسائل مادی اصلاح گردد تا نیل به آرامش و سلامت برای او آسان تر شود.

#### راهکارهای مبارزه با فقر در کلام امام علی (ع)

مشکل فقر از مسائل بزرگ و ریشه دار در حیات بشری است و با وجود تلاش های گسترده از سوی دولت ها و نیز تلاش های بین المللی هنوز فقر و تنگدستی بیداد می کند و جمع بزرگی از انسان ها را در بر گرفته است. البته فقر تنها محدود به کشورهای جهان سوم نیست، بلکه عارضه ای است که گریبان گیر تمام کشورهای جهان است. برای کاهش فشارهای روانی ناشی از فقر و نیز رفتارهای ناپسند اقتصادی که ذکر شد، می توان از صفات اخلاقی مانند برقراری عدالت در جامعه، زهد، قناعت، انفاق و صدقه استفاده کرد و به این وسیله از مشکلات ناشی از آن جلوگیری کرد. در زیر راهکارهایی برای مبارزه با فقر ارائه شده است.

۱. زهد: زهد یعنی عدم تمایل و رغبت نسبت به چیزی که در آن به طور طبیعی جاذبه میل و رغبت وجود داشته باشد و انسان در اثر عواملی اختیاری نسبت به آن

اگر این معنا در کلمه عدالت دنبال شود عدالت به معنی بازگشتن به حق است. با برقراری عدالت، توازن، حد میانه، انصاف و برابری بین افراد در دستگاه ها و ارگان های مختلف جامعه می توان فقر را در حد وسیعی ریشه کن کرد.

۴. **انفاق:** مهم ترین راهکار قرآن کریم برای مبارزه با فقر، انفاق است. انفاق گاهی به شکل زکات ظاهر می شود و گاهی هم مستحب است. انفاق و رسیدگی به مستضعفان از سرنوشت سازترین مقوله هایی است که در دنیای بعد از این دنیا می تواند در سرنوشت ما تأثیر مثبت و منفی داشته باشد؛ زیرا از یک سو راهکاری برای برطرف کردن فاصله طبقاتی و از بین بردن فقر از جامعه می باشد و از سوی دیگر دستور العملی برای خودسازی و تزکیه نفس در راه تکامل روح آدمی است. انفاق دارای سه مرحله می باشد. اولین مرتبه انفاق، صدقه است که افراد به دلخواه، بخشی از مال خود را به فقرا و مساکین و هر کس که از آن ها درخواست کمک نموده، می بخشند. صدقه هم موجب زیاد شدن رزق و روزی است که امیر مؤمنان (ع) فرمود: «به وسیله صدقه، طلب نزول روزی کنید!» (دستی، ۱۳۸۶: ۴۶۸) و هم باعث حفظ ایمان می شود که فرمود: ایماننان را به وسیله صدقه، اداره و سرپرستی کنید!» (دستی، ۱۳۸۶: ۴۷۰) و هم سبب بخشایش گناهان است. مرحله دوم مساوات به معنای تقسیم و نصف کردن اموال با نیازمندان است و این در صورتی است که اموال شخص به اندازه کفاف خود او باشد. برترین و بالاترین مرتبه انفاق، ایثار است یعنی، فرد نه تنها اموال خود را با مستمندان نصف می کند، بلکه آنان را بر خود مقدم می دارد و نصیب خویش را نیز به آن ها تقدیم می نماید و این به بیان امیر مؤمنان (ع) عالی ترین

برای تحصیل سعادت ابدی است؛ زیرا کسی که نیاز های خود را محدود کند و دل را به فزون طلبی مشغول ننماید، آسوده خاطر است؛ اما کسی که قناعت را از دست بدهد و به حرص، طمع و آرزوی دراز گرفتار و آلوده شود، دلش پریشان و خاطرش پراکنده و آشفته می گردد. (نراقی، ۱۳۷۷: ۱۳۱) امیرالمومنین (ع) حیات پاکیزه در قرآن را به قناعت تفسیر کرده است. معصومین (ع) نیز در کلمات خود قناعت را ستوده و به آن تشویق نموده اند و آن را ثروتی تمام نشدنی دانسته اند. امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: «برای کسی که خود را بشناسد، شایسته است که به قناعت و عزت نفس چنگ زند». (آمدی، ۱۳۸۰: ۱۰۳۳) قناعت آثار و پیامدهای مطلوب زیادی بر روح و روان افراد دارد از آن جمله عزت نفس است که حضرت علی (ع) آن را میوه قناعت می داند؛ زیرا شخصی که قانع است و از لحاظ مالی به دیگران نیازی ندارد، عزت نفس خود را حفظ می کند. از آثار دیگر آن آرامش، دوری از اندوه و ناراحتی، خودسازی، سبک شدن حساب در قیامت و زندگی خوب است. بنابراین مهمترین اثر قناعت از بین رفتن فقر است.

۳. **برقراری عدالت در جامعه:** فقر اقتصادی پدیده ای است که وجود آن حاکی از عدم تحقق کامل عدالت در جامعه است. خداوند در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید فرموده: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». این آیه بیان می دارد که تمام آزارهایی که تمام پیامبران و خانواده های آنان کشیده اند، تک تک خارها و سنگ هایی که بدن حضرت رسول (ص) را مجروح کرده است، تمام مسخره شدن ها، ریخته شدن خون اولیاء و اوصیاء، نازل شدن کتب آسمانی و ... همه به خاطر عدالت بوده است. یکی از معانی عدل در لغت بازگشت و بازگشتن است،

مصداق بزرگواری و جوانمردی می‌باشد. (آمدی، ۱۳۸۰: ۸۵۳)

۵. **زکات:** زکات یک نظام اقتصادی کامل است که در آن صاحب مال مقدار معینی از مال خود را می‌دهد که آن حق خالص فقیران محتاج، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، است که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند. زکات منت و احسانی از جانب ثروتمند بر فقیر نیست که اگر خواست به او بدهد و اگر نخواست ندهد؛ بلکه مال و ثروت از آن خداست و ثروتمند فقط حافظ و امانتدار است و بر او لازم است حقوقی را که بر این مال است بپردازد؛ حقوقی همچون زکات و... در جای جای قرآن کریم و احادیث شریف زکات در کنار نماز و بلافاصله پس از آن آمده است؛ گویی که هریک از این دو بدون ادای دیگری مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. پس هر فرد مسلمان در جامعه اسلامی، سالانه باید مقدار معینی از ثروتش را، آن هم در صورتی که به حد نصاب مشخصی رسیده باشد، به عنوان زکات بپردازد که ممکن است زکات جمع شده کفاف احتیاجات فقرای جامعه را بدهد.

۶. **پرهیز از اسراف و تبذیر:** امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن تبذیر و اسراف است. ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلندمرتبه کند اما مسلماً در آخرت پست و حقیر خواهد کرد. در نظر توده مردم ممکن است سبب اکرام گردد اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام انسان خواهد شد. (دشتی، ۱۳۸۶: ۱۶۸) نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغات و ارائه الگوی صحیح مصرف و سرانجام برخورد عملی و قانونی قاطعانه با اسرافکاران می‌تواند بستری در فقر زدایی به وجود آورد و از فاصله طبقاتی شدید در جامعه جلوگیری نماید. مقوله اسراف و تبذیر

باید در قلمرو فردی تقلیل یابد و مهم تر از آن در خود نهادها و ادارات دولتی استفاده بی رویه و اتلاف انرژی، عقد قرار دادهای مفسده آمیز، برگزاری سمینارها و همایش های پُر خرج و دادن هدایای بی مورد و... از جمله مهم ترین مصادیق فقرآور است که اگر با برنامه ریزی درست، مدیریت شود، گام بزرگی در جهت فقر زدایی خواهد بود.

۷. **مدیریت اقتصادی در زندگی:** روحیه چشم و هم چشمی، تجمل گرایی و عدم تناسب در آمد با خرج سبب گرفتار شدن انسان در اقساط سنگین وام ها و بدهی هاست. امیر المؤمنین علی (ع) می فرمایند: اگر انسان در زندگی خود مدیریت اقتصادی نداشته باشد، موجب خواهد شد که در دام فقر گرفتار آید. بنابراین با عنایت به فرمایش حضرت، بهترین راه فقر زدایی در زندگی؛ رعایت مدیریت اقتصادی است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۸ / ۳۴۷)

۸. **اصلاح نظام بازار:** در نظام اسلامی هدف اصلی و اولی تولید در جامعه، رفع نیاز انسان هاست، برخلاف نظام سرمایه داری که هدف اصلی از تولید را سود می‌شمارد. در بینش اسلامی همچنان که نماز و روزه و بقیه واجبات دینی سبب قرب الی الله می‌گردد، کار، تلاش، تولید و توزیع نیز موجب نزدیکی به خداست و حتی بسیاری از کارهای اقتصادی جزء واجبات کفایی می‌باشد، که اگر کسی اقدام به انجام آن نکند، همگان مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت. از این رو، تولید و توزیع در جامعه دینی قبل از آن که سودآوری علت آن باشد، وظیفه داری، نوع دوستی، انگیزه و عامل آن است. بنابراین در بازاری که مبتنی بر این نظام است، جایی برای انحصار، احتکار، گران فروشی و... نخواهد ماند. امام علی (ع) در منشور حکومتی خویش برای حفظ سلامتی بازار و جلوگیری از افتادن در گردابی

نزدیکترین آنان هیچ فرقی ندارد، و تمامی آنها را باید مورد حمایت قرار داد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۴/ ۲۵۹)

با توجه به پیامدها و نتایج منفی فقر در جامعه می توان گفت تمامی افراد از جمله زنان تحت تاثیر مشکلات اقتصادی هستند. با توجه به این که نیمی از جمعیت را زنان تشکیل می دهند، به دلایل مختلف در مقایسه با مردان از مشکلات و مسائل بیشتری رنج می برند، به طوری که در دسترسی به آموزش، اشتغال و خدمات بهداشتی، درمانی و بهره مندی از حقوق خود از وضعیت یکسانی برخوردار نیستند و هر جا این تفاوت بیشتر باشد وضعیت کودکان آنان وخیم تر و بطبع خانواده هایشان محروم تر به نظر می آیند. پس باید برای زنان جامعه و به خصوص زنان خانه دار پس اندازی و پشتوانه ای قرار داد تا از فشارهای روحی و روانی خانواده ها کاسته شود.

از آن جا که چهره فقر بسیار زشت، کریه و خشن است علاوه بر راهکارهای ساختاری و بنیادین که درازمدت می باشند، باید از راهبردهای دفاعی نیز استفاده کرد فعالیت هایی از قبیل کاهش بیکاری، اعطای وام، ساخت مسکن ارزان و حمایت های اجتماعی را در سر لوحه برنامه های دولت و دستگاه های دولتی قرار داد. این برنامه ها مقطعی و زودگذر می باشند و می توانند مقداری از شدت آلام و مصائب این طبقه را کم نمایند، اما همان طور که مشخص است، این راه حل های نهایی و اصولی تلقی نمی شوند و نسبت به شرایط مختلف، هر کدام از اولویت هایی برخوردار می گردند.

یکی از مهم ترین راهکارها برای مبارزه با فقر، فرهنگ سازی جهت ایجاد روحیه تلاش گری، جدیت، وجدان کاری، حماسه اقتصادی و نیز ارزش دادن به فرهنگ تولید ثروت و خدمت رسانی است. همچنین اصلاح فرهنگ رخوت و سستی و اصلاح انحرافات مذهبی که در مفاهیمی چون، قضا و قدر، قناعت، توکل، زهد،

خطرناک مانند انحصار، احتکار، کم فروشی و... که ناامنی اقتصادی و فقر را به وجود می آورد و در نتیجه مردم را دائما در ناامنی و اضطراب روحی و روانی نگه می دارد، به مالک هشدار می دهد و از او می خواهد که با مفسدان اقتصادی به مبارزه برخیزد، جلو افزون خواهی و زیاده طلبی های آن ها را بگیرد و از هرج و مرج در بازار جلوگیری کند و نظارت خود را بر آن مستمر سازد؛ زیرا بی توجهی به وضع بازار و رها ساختن آن به حال خود، برآیندی جز ضرر و زیان و افزایش محرومیت برای عامه مردم نخواهد داشت، و این خود عیب و ننگی است بر زمامدار که از عهده توازن و تعادل در بازار برنیامده است.

#### ۹. دفاع از حقوق قشرهای آسیب پذیر یا عدالت: امام

علی (ع) در نامه ای که به مالک اشتر می نویسد و آن را به عنوان یک دستورالعمل اجرایی قرار می دهد تا مالک براساس آن برنامه های خود را تنظیم کند، با به کار بردن لفظ جلاله «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى» سعی می کند اهمیت این موضوع را به مالک بفهماند، و او را به حقیقت این مطلب آگاه سازد که عمل به این بخش از دستورالعمل می تواند خشنودی خدا و بی توجهی به آن، خشم و غضب الهی را به همراه آورد، و آن پناه دادن به مردمانی است که همه درهای امید به روی آن ها بسته شده و زندگی با همه گوارایی و زیبایی اش مانند زهری تلخ درکام آن ها و شب تار در پیش چشم آن ها خود را نمایان می سازد. حضرت در این منشور حکومتی از مالک می خواهد که برای رفع مشکلات آن ها، درصدی از بیت المال و بخشی از درآمدهای خالصی را که حکومت در اختیار دارد، به آن ها اختصاص دهد. به نظر حضرت، در پیشگاه الهی بی توجهی نسبت به آنان هیچ گونه عذری پذیرفته نخواهد بود، و معتقد است که حقوق دورترین آنان با

عادلانه حقوق و مزایای یکی از راه‌های اساسی برای حل مشکل اقتصادی و برقراری حداقل عدالت نسبی در جامعه می‌باشد.

برعهده دانشگاهیان و مسئولان است که مدل‌ها و نظریات اقتصادی در برگیرنده منافع محرومین را طراحی کنند. طراحی الگوی توسعه اسلامی - انسانی، احیای زکات و تأسیس سازمان زکات در ایران، گسترش و ساماندهی کشاورزی در ایران، تغییر نظام بانکی و طراحی نهاد مالی و اقتصادی ویژه حکومت اسلامی، قانون‌گذاری‌های عادلانه، مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی و مبارزه با تجمل‌گرایی راه‌هایی است که با اجرای آن‌ها شاهد کاهش فقر خواهیم بود.

#### نتیجه

در این مقاله پیامدهای فقر در سلامت روح و روان افراد از دیدگاه امام علی (ع) مورد بررسی قرار گرفت. فقر بر سلامت روانی، تاثیر بسزایی دارد؛ زیرا یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای انسان تأمین معاش و برآورده شدن نیازهای زیستی او است و در صورت برآورده نشدن این نیاز، مشکلات جسمی و روانی در انسان بروز می‌کند.

بیشتر آثار روانی فقر از نگرش منفی مردم نسبت به آن نشأت می‌گیرد؛ بدین صورت که مردم با فقرا به شیوه‌ای کاملاً متفاوت از ثروتمندان رفتار می‌کنند. در روابط خانوادگی، دوستی‌ها، رفت و آمدها، و به طور کلی در اجتماع، افراد بی‌بضاعت با بی‌تفاوتی یا تحقیر پذیرفته می‌شوند. امروزه تأیید شده است که بین موقعیت اجتماعی فرد و روابط او با اعضای اجتماع رابطه نزدیکی وجود دارد. معمولاً کسانی که دارای امکانات مالی هستند یا مرتبه اجتماعی مناسبی داشته باشند، راحت‌تر حرف خود را به گوش دیگران می‌رسانند.

آخرت‌گرایی، دعا و ... قرن‌ها ایجاد شده است و این مفاهیم معناهایی تحذیری و تمدن‌سوز و تخریب‌کننده پیدا کرده‌اند.

برای راهکار دراز مدت، به طور کلی اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، به منظور کنترل، کاهش و محو فقر اهمیت فراوانی دارند. اصلاح نحوه توزیع ثروت و درآمد، اخذ مالیات، مصرف صحیح آن و ... در راستای احیای تحقق عدالت اجتماعی، از مهم‌ترین این راهکارها به شمار می‌آید. برطبق این رویکرد، توزیع عادلانه درآمد بین مردم، در کنار رشد اقتصادی می‌تواند موجب کاهش سطح بی‌عدالتی و فقر شود، زیرا حضور یکی به تنهایی تأثیری در حل مشکل ندارد. در واقع کاهش فقر جهانی، تابع نرخ رشد اقتصادی، تغییر مستقیم درآمد و عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد، در سطح دنیا است. از این رو، وضع سیاست‌های عادلانه در مورد توزیع درآمد، تجارت و دیگر عوامل سازنده مهم‌ترین گام در تحقق عدالت اجتماعی و رفع فقر می‌باشد و این امر جز با نگاهی کلان و رویکردی جامع به تمامی ساختارهای موجود در جامعه میسر نمی‌گردد.

در حال حاضر با توجه به تحریم اقتصادی ایران از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا، احتمال افزایش مشکلات اقتصادی وجود دارد که کارشناسان و مسئولان کشور می‌توانند با درایت و توزیع عادلانه ثروت معضل فقر و تبعیض را از جامعه اسلامی ریشه کن کنند. این عدالت و توزیع ثروت می‌تواند از راه‌های گوناگون انجام شود از جمله با تحت کنترل در آوردن بعضی از مشاغل نظیر بنگاه‌های املاک و خرید و فروش و از بین بردن واسطه‌ها در معاملات کلان و نظارت بر وام‌های بانکی. در بخش دولتی نیز با هماهنگ کردن پرداخت پاداش‌ها بین کارمندان ادارات مختلف و توجه به مزایای ادارات مذکور و تقسیم

در مقابل فقرا، ممکن است در مقام بیان سخن خود با بی‌اعتنایی مخاطبان رو به رو شوند.

انسان فقیر، وقتی تحقیرها، شرمساری‌ها و ناکامی‌های فقر را تحمل می‌کند، عزت نفس و اعتماد به نفس را از دست می‌دهد. فرد از خود، خانواده و اطرافیانش شرم‌منده می‌شود. شرم و گنهکاری معمولاً به دنبال هم می‌آیند؛ بدین صورت که انسان شرم‌منده خود را ملامت می‌کند و تمام گناهان را به گردن می‌گیرد و خود را مسبب اصلی فقر می‌داند و در نتیجه، باعث می‌شود به بیماری روانی مبتلا شود و سلامت روحی و روانی را از دست بدهد. انسان تنگدست از نیازها و مطلوب‌های خویش که سرمایه زندگی مادی است، محروم می‌شود و از مقاصد خویش باز می‌ماند و محرومیت اغلب به پرخاشگری می‌انجامد و ممکن است برای رفع فقر و تنگدستی خود، به کارهای خلاف از قبیل دزدی، اختلاس و کارهای ناشایست دست بزند. احساس‌انده از پیامدهای نامطلوب دیگر فقر است. شخص فقیر از آن جا که نمی‌تواند به مقاصد خود برسد و نیازهای اولیه خود را تأمین کند، دچار احساس ناراحتی و اندوه می‌شود. از پیامدهای دیگر فقر، افسردگی، وضعیت بد سلامت، عدم رضایت مندی از زندگی، ناامیدی و سستی اراده است.

رفتارهای نامناسب اقتصادی مانند علاقه بیش از حد به دنیا، بخیل بودن، حرص و فزون‌طلبی و مال‌پرستی و سستی در عمل می‌تواند از عوامل فقر محسوب گردند و سلامت روانی افراد را تهدید کنند. ریشه اصلی این رذایل اخلاقی و رفتاری، ضعف مبانی ایمان و شناخت خدا است؛ زیرا کسی که خداوند را بر همه چیز قادر می‌داند و معتقد است که ریشه تمام خیرات و برکات، ذات پاک حق تعالی است، باید به وعده‌های الهی اعتقاد داشته باشد.

تعالیم اسلام برای مواجهه با فقر راهکارهایی ارائه داده است. در این مقاله با توجه به قرآن و سخنان امام علی(ع) برای برطرف کردن فقر از افراد و جامعه، راهبردهایی برای رویارویی با این نوع فشار روانی مانند زهد، قناعت، برقراری عدالت، انفاق، پرداخت زکات، پرهیز از اسراف و تبذیر، مدیریت اقتصادی در زندگی، اصلاح نظام بازار، دفاع از حقوق قشرهای آسیب‌پذیر ارائه شد. کار و تلاش و توکل بر خدا و پرهیز از دنیا پرستی و کاهش علاقه به دنیا، ملاحظه فضایل معنوی که خداوند به فقرا عنایت می‌کند، اقتصاد و میانه روی، پرداخت خمس و زکات و صدقه، رضایت نسبت به روزی و شکر‌گزاری برای مبارزه با فقر و از بین بردن آثار روانی ناشی از آن پیشنهاد گردید. اگر در یک جامعه مردم از رفاه نسبی برخوردار باشند، افراد آن جامعه با آرامش و رضایت خاطر به فعالیت خواهند پرداخت و به تبع آن مشکلات روحی و سپس مشکلات جسمی کاهش می‌یابد. امید است با عنایت الهی و اهتمام مسئولان محترم و سعی و توجه وزارت رفاه، وزارت کشور، بهزیستی و دیگر ارگان‌های مربوط به زودی شاهد جامعه‌ای بدون فقر باشیم.

منابع

قرآن کریم ترجمه فولادوند.

آرگایل، مایکل. (۱۳۸۲). روانشناسی شادی، فاطمه

بهرامی و دیگران، اصفهان: جهاد دانشگاهی.

آمدی، عبدالواحد محمد. (۱۳۸۰). غررالحکم و

دررالکلم، مشهد: ضریح آفتاب، موسسه الجواد.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد باقر موسوی، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم.

عاملی، حرّ بن محمد بن الحسن. (۱۳۹۱ق). وسائل الشیعه، میرزا حسین نوری، تصحیح شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.

کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الاصول من الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گنجی، حمزه. (۱۳۷۸). بهداشت روانی، تهران: ارسباران.

گنجی، حمزه. (۱۳۸۵). روان شناسی عمومی، تهران: موسسه نشر ساوالان.

مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.

محمدی، کاظم. (۱۳۶۵). المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۰). التنمیه الاقتصادیه فی الکتاب والسنه، قم: دار الحدیث.

----- (۱۳۶۲). میزان الحکمه، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مهدوی کنی، محمد رضا. (۱۳۷۵). نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم.

نراقی، مهدی. (۱۳۷۷). جامع السعادات، سید جلال الدین مجتوبی، قم: اسماعیلیان.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۵۹). خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، نشریه فلسفه، کلام و عرفان «درسهایی از مکتب اسلام» اردیبهشت، شماره ۲.

اسدی نوقابی، احمد علی. (۱۳۸۴). بهداشت روان ۱، تهران: بشری (با همکاری نشر تحفه).

ابن ابی الحدید، عبد الحمید. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). علل الشرایع، قم: دارالزهرا.

بحرانی، ابن میثم. (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه، حبیب روحانی و محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

جورارد، سیدنی؛ تنداندسمن. (۱۳۸۷). شخصیت سالم از دیدگاه روانشناسی انسانگرا، فرهاد منصف، اصفهان: جهاد دانشگاهی.

خوانساری، جمال الدین محمد. (۱۳۷۳). شرح غررالحکم و در الکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دشتی، محمد. (۱۳۸۶). نهج البلاغه، قم: سرور، الهادی.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷). معجم مفردات الفاظ القرآن، حسین خدایپرست، قم: نوید اسلام.

رسولی، هاشم. (۱۳۸۱). شرح غررالحکم و درر الکلم، تهران: دفتر فرهنگ و نشر اسلامی، چاپ چهارم.

شاکر، محمد کاظم. (۱۳۷۸). فقر و غنا در قرآن و حدیث، چاپ اول، تهران: نشر رایزنان.

شعیری، محمد بن محمد. (۱۳۸۲ق). جامع الاخبار، تهران: تحقیق حسن المصطفوی، مرکز النشر کتاب.

شاملو، سعید. (۱۳۷۸). بهداشت روانی، تهران: رشد، چاپ سیزدهم.

موسوی اصل ، سید مهدی .(۱۳۸۷). فقر از دیدگاه دین  
و روانشناسی ، مجله روان شناسی و علوم  
تربیتی ، شماره ۴.

مقیم‌ی حاجی، ابوالقاسم . (۱۳۸۷). اسلام پیام آور  
شادی. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی  
تبیان . <http://www.icn.ir>

